

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

جفری ساکس استاد دانشگاه کلمبیا در مصاحبه با اندرو ناپولیتانو
برگردان: سهراب میشری
فرستنده: علی مشرف
۰۴ جنوری ۲۰۲۴

سیاست خارجی امریکا یک شیادی فسادآلود است



ما در هفته های اخیر در جریان جزئیات بسیاری در این باره قرار گرفته ایم که چگونه ایالات متحده جلوی توافقی میان اوکراین و روسیه را گرفت، توافقی که می توانست اوکراین را از این جنگ در امان نگه دارد. ایالات متحده جلو این توافق را گرفت و به اوکرائینی ها گفت باید به جنگ ادامه دهید. اوکرائینی ها صدها هزار نفر از دست داده اند. اکنون به آخر خط رسیده اند. شرم آور است برای باین که باعث این وضع شد. او بود که مذاکرات را متوقف کرد... ما به عین کلماتی که اسرائیلی ها به کار می برند توجه نکرده ایم. آنها می گویند می خواهند غزه را غیر قابل سکونت کنند. این قصدی است که باید فهمیده شود. اسرائیل نه در حال مبارزه با حماس، که در حال جنگ برای یک اسرائیل بزرگ است...

توضیح مترجم: جفری ساکس استاد دانشگاه کلمبیا در نیویورک است. مواضع او چپ نیست. با سرمایه داری مخالفتی ندارد. سابقه خدمت به دولت امریکا را دارد و در جریان گذار اتحاد شوروی و کشورهای اروپای شرقی به سرمایه داری، به دولتهای این کشورها مشاوره داده است. او در سالهای اخیر از سیاست خارجی امریکا انتقاد می کند. این انتقاد

با توجه به روابطی که ساکس با افراد زیادی در دستگاه حاکمه آمریکا و نیز برخی کشورهای دیگر دارد و اطلاعاتی که از این طریق به او می‌رسد، حاوی نکاتی قابل توجه است. او از موضع یک امریکائی سخن می‌گوید که معتقد است سیاست خارجی آمریکا به ضرر خود این کشور تمام می‌شود. درباره این حکم او می‌توان اختلاف نظر داشت. با این حال، شنیدن یا خواندن سخنانش بی‌فایده نیست. از این رو آخرین مصاحبه او با اندرو ناپولیتانو را مکتوب و ترجمه کردم. اندرو ناپولیتانو نیز از منتقدان سیاست خارجی امریکاست و مصاحبه هائی با همفکران خود انجام می‌دهد که فلهایش در اینترنت قابل دسترسی است.

توضیح دیگر این که جفری ساکس در جایی از مصاحبه اش به نقل از سایت اسرار آشکار می‌گوید مخارج سالانه لابی نظامی در واشینگتن ۱۵۰ میلیارد دالر است. این رقم به نظرم بسیار زیاد آمد چرا که معادل ۱۰ درصد کل هزینه های مستقیم و غیرمستقیم نظامی امریکاست و برای من قابل قبول نبود که چنین رقمی فقط صرف لابی گری شود. به سایت اسرار آشکار مراجعه کردم و دریافتم که رقم ۱۵۰ میلیون دالر درست است. بنابر این متن را تصحیح کردم. چنین خطائی از یک استاد اقتصاد بعید است، به ویژه آن که ممکن است مورد سوء استفاده جنگ افروزان قرار بگیرد تا بقیه سخنان او را هم بی اعتبار جلوه دهند. از این رو، در پائین فله مصاحبه در یوتیوب کامنتی گذاشتم به امید این که ساکس در فرصت بعدی گفته خود را تصحیح کند.

بدیهی است برای کسانی که به زبان انگلیسی آشنائی دارند مراجعه به اصل [فله](#) مفیدتر از خواندن ترجمه من است:

سهراب مبشری

ناپولیتانو: می‌خواهم درباره یک تصویر کلی و در این باره با شما صحبت کنم که چرا فکر می‌کنید سیاست خارجی آمریکا یک شیادی مبتنی بر فساد است. اما قبل از آن، بپردازیم به چند سؤال درباره اوکراین و غزه. در آخر هفته کریسمس، فرمانده کل ارتش اوکراین، جنرال سالوژنی، در یک کنفرانس مطبوعاتی شرکت کرد که در آن گفت به پانصد هزار نفر دیگر سرباز نیاز دارد. در واکنش، پرزیدنت زلنسکی گفت بله، ما پانصد هزار سرباز دیگر احتیاج داریم و نیز نیاز داریم به سیزده میلیارد دالر آمریکا برای این که مسکن، غذا و لباس برای این سربازان تهیه کنیم و به آنها آموزش دهیم. آیا جنگ عملاً تمام شده و این دو نفر تصورات واهی دارند؟

ساکس: این دو نفر بشدت نگران موقعیت شانند. اوکراین گرفتار یک کشتار است. روسیه در صحنه نبرد دست بالا را گرفته است و ما در هفته های اخیر در جریان جزئیات بسیاری در این باره قرار گرفته ایم که چگونه ایالات متحده جلو توافقی میان اوکراین و روسیه را گرفت، توافقی که می‌توانست اوکراین را از این جنگ در امان نگه دارد. ایالات متحده جلو این توافق را گرفت و به اوکرائینی ها گفت باید به جنگ ادامه دهید. اوکرائینی ها صدها هزار نفر از دست داده اند. این دو نفر یعنی سالوژنی و زلنسکی اساساً در اختیار ایالات متحده اند و هزینه به قدرت رسیدن آنها را آمریکا داده است. ایالات متحده به آنها گفته است بجنگید. در نتیجه کار به حمام خون و فاجعه انجامید که همین طور ادامه دارد و ادامه خواهد داشت. اکنون به آخر خط رسیده اند. شرم آور است برای بایدن که باعث این وضع شد. او بود که مذاکرات را متوقف کرد، مذاکراتی که می‌رفت درگیری را در مارچ یا اپریل ۲۰۲۲ پایان دهد. اکنون اخبارش وسیعاً منشر شده است. ما چند ماه پیش در این باره صحبت کردیم چرا که من در این باره مستقیماً از میانجی های ترکیه ئی و دیگران در این باره شنیدم. حالا خبرش به افکار عمومی درز کرده است. به عبارت دیگر، این جنگی است که در اوکراین فاجعه می‌آفریند، برای ایالات متحده مخارج هنگفت به همراه دارد و به هیچ چیز کمک نمی‌کند. این جنگ به طور هدفمند توسط بایدن ادامه یافت که در یک خطای محاسباتی کامل، فکر کرد از این طریق می‌توان روسیه را

تضعیف کرد. در حالی که درست به عکس شده است. جنگ، روسیه را تقویت کرده است. به پیشرفت قابل توجه تکنولوژی نظامی روسیه کمک کرده است. بر اندازه ارتش روسیه افزوده است. همه اینها قابل پیش بینی بود مگر برای یک دولت کاملاً ناکارآ.

ناپولیتانو: فایننشال تایمز گزارش می دهد دولت زلنسکی به این نتیجه رسیده است که ۶۸ میلیارد دلاری را که می خواهد، از کنگره آمریکا دریافت نخواهد کرد و از این رو از اتحادیه اروپا یک وام تقاضا کرده است، وامی که اعطای آن توسط اوربان رهبر مجارستان وتو شده است. فایننشال تایمز می افزاید رهبران اتحادیه اروپا منابع خود را متمرکز می کنند که به دولت اوکراین یک وام ۲۰ میلیارد دلاری بدهند. چنین وامی یک دیوانگی است و بازپرداخت آن باید توسط ایالات متحده صورت گیرد. اوکرائینی ها نمی توانند این وام را پس دهند. دولت آنها اگر بخواهد این وام را پس بدهد ورشکست می شود. آیا این برداشت من درست است؟

ساکس: این همه، بیمارگونه است. همه بر اساس چشم بستن بر واقعیاتی بدیهی است که از سالها پیش روشن بود. این یک جنگ است که ریشه آن، اصرار ایالات متحده بر وارد کردن اوکراین به اتحاد نظامی آمریکا و ناتو است. آمریکا در این امر مصر است و حتی وقتی صلح در سال ۲۰۲۲ بر اساس بی طرفی اوکراین قابل دسترس بود، آمریکا مانع شد. اروپایی ها مانند دولتهای دست نشانده آمریکا عمل می کنند. دولتهای اروپایی از میزان بسیار کمی از حمایت در میان مردم خود برخوردارند. در حال حاضر از یک رهبر وجیه المله در اروپا خبری نیست. دولتهای اروپایی یکی پس از دیگری در انتخابات به شدت شکست می خورند. علتش هم این است که نقشه جنگ شکست خورده است. اساس آن یک فکر اشتباه و خطاهای محاسباتی مجتمع نظامی - صنعتی ایالات متحده است که از طریق بایدن به عنوان نماینده خود پیش برده اند. این نقشه بشدت شکست خورده است و آنها نمی توانند به این شکست اعتراف کنند چرا که همه آنها در نتایج وحشتناک کارشان مسؤولند. نمی خواهند به شکست خود اعتراف کنند و بیشتر به مسیر اشتباه ادامه می دهند. پول خودشان که نیست. کارشان خرج کردن از محل افزایش بدهی دولت است. سربازهای خودشان هم که نمی جنگند. اوکرائینی ها می جنگند. حالا سراغ زنان جوان اوکرائینی رفته اند که می خواهند آنها را بسیج کنند و به خط مقدم جبهه بفرستند تا کشته شوند. باورکردنی نیست. این فجایع وقتی اتفاق می افتاد که کارها به دست یک عده قلیل ماجراجو بیفتد که همه حرفهایشان برای افکار عمومی یک ریاکاری است و سراسر دروغ است. بدون این که واهمه مسؤولیت و پس دادن تاوان کارهایشان را داشته باشند بر انبوه بدهی دولت می افزایند. سیاست خارجی در دست یک گروه کوچک است که یا بسیار نابلدند یا بر اساس یک تئوری دیگر، دغدغه آنها فقط این است جنگی در کار باشد، زیرا جنگ یعنی سودهای کلان.

ناپولیتانو: موضوع را عوض کنیم و به خاورمیانه بپردازیم. آیا از نظر شما پایانی برای کشتار بدون تمایز غیرنظامیان در غزه توسط نیروهای اسرائیلی دیده می شود؟

ساکس: درست به عکس، شاهد آنیم که کشتار جمعی تشدید می شود. هر روز جنایات جنگی روی می دهد. اسرائیلی ها می گویند که می خواهند جنگ را به لبنان هم بکشانند. همه این کارها هر روز با استفاده از مهمات آمریکایی صورت می گیرد. اسرائیل بدون مشارکت مستقیم آمریکا قادر به ادامه جنگ نیست. سخن تنها بر سر این نیست که آمریکا به اسرائیل چراغ سبز داده است یا در سازمان ملل با رأی وتو از اسرائیل حمایت می کند. ایالات متحده هر روز نقش شریک مستقیم را ایفا می کند و مهماتی را که برای کشتن انسانها در ابعاد وسیع لازم است می رساند. این هم باورکردنی است. همه این کارها با توجیهات بسیار دروغین صورت می گیرد. این یک قتل عام است. مرکز حقوق مبتنی بر قانون اساسی آمریکا در نیویورک که یک اتاق فکر در عرصه حقوق است، به گروهی از فلسطینی ها کمک

کرده است که علیه دولت امریکا یک دعوی قانونی در یک دادگاه فدرال امریکا طرح کنند، به خاطر مشارکت امریکا در نسل کشی. اگر به سایت مرکز حقوق مبتنی بر قانون اساسی مراجعه کنید می بینید که چه پرونده ای با چه انبوهی از جزئیات تشکیل شده است که قصد و اعمال نسل کشی از سوی اسرائیل را مستند می کند. امریکا هم شریک جرم است. برای این نقشه هم هیچ پایان موفقیت آمیزی نمی توان تصور کرد. هیچ پایان موفقی ممکن نیست، زیرا اساس آن، یک فکر کاملاً غیرممکن سیاسی است، فکر سیاسی دولت نتانیا هو مبنی بر این که اسرائیل خواهد توانست به طور دائم بر کل منطقه مسلط شود، بر کرانه غربی، بیت المقدس شرقی و غزه. این است فکر سیاسی آنها. غیر ممکن است. بر این اساس، هرگز صلحی در کار نخواهد بود. حتی بایدن که از انجام وظایف ریاست جمهوری عاجز است هم زمره می کند که ممکن نیست. با این حال هر روز مهمات را می رساند تا از این طرح به کلی ناممکن حمایت کند.

در این بخش از مصاحبه، مجری برنامه فلمی از سخنان اخیر اردوغان را نشان داد. از آنجا که این سخنان یک لفاظی بی ارزش بیش نیست و اردوغان به نتانیا هو درست به خاطر کارهایی حمله می کند که خود مرتکب می شود، نیازی به نقل آن در اینجا نیست.

ناپولیتانو: آیا آنچه اردوغان می گوید دارای اهمیت نظامی است یعنی به معنای وارد شدن یک بازیگر دولتی به ماجرا، یا فقط یک دق دلی خالی کردن است و سخنی برای راضی کردن یک میلیارد نفر؟

ساکس: بگذارید بگویم همزمان با صحبت‌های ما در هفته های اخیر، من در ابوظبی، دبی، قطر، آدیس آبابای اتیوپی بوده ام و با دیپلمات‌ها از شمار زیادی کشورها ملاقات داشته ام. پرزیدنت اردوغان لحن بسیار تند داشت. اما می می توانم به شما بگویم که خشم از بابت آنچه می گذرد همه گیر است. محدود به جهان اسلام هم نیست. هفته پیش یک رأی گیری انجام شد که در رسانه های امریکائی مسکوت ماند. مجمع عمومی سازمان ملل خواهان حق تعیین سرنوشت سیاسی فلسطینی ها شد. همه به آن رأی دادند به استثنای چهار رأی در کل مجمع. این چهار رأی عبارت بودند از امریکا، اسرائیل، میکرونزی و نائورو. شاید مردم، میکرونزی و نائورو را نشناسند. میکرونزی یک جزیره بسیار کوچک است که فکر می کنم حدود صد هزار نفر جمعیت دارد. نائورو هم یک جزیره بسیار کوچک است که اتفاقاً من اخیراً گذارم به آنجا افتاد و دوازده هزار نفر جمعیت دارد. به عبارت دیگر، همه جهان منهای ایالات متحده و اسرائیل، و یکی دوتا از کوچکترین کشورها، با آنچه روی می دهد مخالفند. اهمیت این امر این است که ایالات متحده به خاطر حمایت از اسرائیل در این کشتار در مقیاس جهان به کلی منزوی است. نتایج آن در سراسر جهان محسوس است. اتحادها دستخوش تغییر است، در عرصه اقتصاد، در زمینه تغییر ساختارهای ژئوپلیتیک، حتی در مورد استفاده از دالر به عنوان یک ارز. ما یک تغییر بزرگ صحنه ژئوپلیتیک را شاهدیم. ایالات متحده مسیر انزوای تقریباً کامل در جهان را در پیش گرفته است. من این را هر روز می بینم، زیرا شغل من این است که در جهان سفر کنم و درباره مسائل توسعه اقتصادی به بحث بپردازم، درباره مسائل مالی، اقتصاد جهانی، تجارت جهانی، نظام پولی. آنچه در حال رخ دادن است این است که خلاف تصور بایدن که می گوید جهان مشتاق اعمال رهبری از سوی امریکاست، جهان با وحشت به امریکا می نگرند. امریکا در انزواست، همراه با اسرائیل. البته جهان بیش از آن با وحشت به کاری می نگرد که اسرائیل در حال انجام آنست. تا کنون کمتر گزارش مستقیم ویدئویی از کشتار جمعی دیده بودیم. البته رسانه های اجتماعی و شبکه های تلویزیونی جنگ را به خانه های ما آورده بودند، اما همان گونه که پرزیدنت اردوغان گفت، پخش مستقیم حمله به بیمارستانها و مدارس و مساجد، مجتمع های آپارتمانی، کم سابقه است. ما به عین کلماتی که اسرائیلی ها به کار می برند توجه نکرده ایم. آنها می گویند می خواهند غزه را غیر قابل سکونت کنند. این قصدی است که باید فهمیده شود. اسرائیل نه در حال مبارزه با حماس، که در حال جنگ برای یک اسرائیل بزرگ است، یک ایده

آخر زمانی کتاب مقدس که اکنون سر از سیاست اسرائیل در آورده است، مبنی بر این که اسرائیل حق دارد بر کل منطقه مسلط شود، حق دارد که بر میلیونها فلسطینی اعمال سلطه کند، همان طور که افراطیون مذهبی باور دارند که می گویند خدا در کتاب یوشع گفته است، زمانی حدود قرن پنجم قبل از میلاد. در مخیله آدم هم نمی گنجد. ما در قرن بیست و یک به سر می بریم. فاجعه بار است. با چنین تفکری سر و کار داریم. من فکر نمی کنم امریکائی واقعاً درک می کنند که انگیزه اسرائیلی ها چیست. فکر نمی کنم امریکائی ها بدانند خطرات این جنگ کدامند که بسیار اساسی است و به سرعت رخ می نماید. این است موقعیتی که با آن مواجهیم. متأسفانه، ما رئیس جمهوری داریم که در عمل، به عنوان رئیس جمهور عمل نمی کند. این بدترین سیاست خارجی قابل تصور است که ما را به اینجا کشانده است. سعی می کنم عنان کلام را از دست ندهم. جهان است در مقابل چهار کشور، در حقیقت علیه دو کشور.

ناپولیتانو: شما گفتید این بدترین سیاست خارجی قابل تصور است. می دانیم که شما در عرصه سیاست خارجی امریکا تحقیق کرده اید، به عنوان دانشجو و استاد و معلم و دیپلمات. با نتیجه گیری شما موافقم، بقیه هم موافقت، مانند مرسهایمر و مک گرگور و دیگران. قضاوتی صریح است. شما می گوئید سیاست خارجی امریکا یک شیدای مبتنی بر فساد است. چرا چنین قضاوتی دارید؟

ساکس: باید دید چرا هر ابتکار سیاست خارجی امریکا در دهه های اخیر، لااقل از سال ۲۰۰۰ به این سو، شکست مفتضحانه خورده است. امریکا گفت از شر طالبان در افغانستان راحت می شویم. طالبان هنوز وجود دارند. امریکا گفت می خواهیم عراق را به یک متحد خوب امریکا تبدیل کنیم. عراق تبدیل شد به یک متحد خوب، اما نه برای امریکا که برای همسایه خود ایران. امریکا گفت می خواهیم شر بشار اسد رئیس جمهور سوریه را کم کنیم. بشار اسد مانده است و طرح امریکا و سیا در این فاصله به کشته شدن صدها هزار نفر انجامیده است. امریکا گفت می خواهیم لیبیا را طبق تصور خود شکل دهیم و در سال ۲۰۱۱ لیبیا را بمباران کرد، دولت معمر قذافی را سرنگون نمود و جنگی به راه انداخت، یک جنگ داخلی در لیبیا اما با آثاری در مقیاس افریقا. زیرا لیبیا تبدیل شد به زادگاه دسته های مسلح و جهادی ها و مزدورانی که تا کنون در بخش بزرگی از افریقای مرکزی و غربی پخش شده اند. امریکا در فبروری ۲۰۱۴ گفت ما یانوکویچ رئیس جمهور اوکراین را سرنگون می کنیم و دولت جدید تقاضای گسترش ناتو را خواهد کرد و ما وارد آنجا خواهیم شد. این طرح بایدن، سالیوان و نولاند بود. نتیجه چه شد؟ جنگی که ۹ سال است ادامه دارد و در آن اوکراین دارد تکه تکه می شود. یک مقاله احمقانه دیگر به قلم یکی از اعضای خانواده کیگن که بسیار تیپیک بود خواندم. هر سال درباره موضوعاتی می نویسد که ایالات متحده باید میلیاردها دالر به آنها اختصاص دهد. من پاسخ او را دادم. از اینها که بگذریم و به کنه مسائل بپردازیم، موضوع این است یکی پس از دیگری شکست متحمل می شوند. فاجعه پشت فاجعه. هزاران میلیارد دالر دور ریخته شده است و همان کاراکترها بازیگر این صحنه اند. شما به این نتیجه می رسید که موضوع محدود به فقدان مسؤلیت پذیری نیست. همه چیز کاملاً آشکار است. آنها سود می برند. آنها مخارج نظامی را امسال به حدود ۱۵۰۰ میلیارد دالر افزایش داده اند. قرارداد پشت سر قرارداد برای جنگ می بندند. دو جنگ جاری دارند. بسیار عالی. خودتان را جای شرکتیهای مانند لاکهید و نورثروپ بگذارید. دو جنگ جریان دارد و شاید گسترش هم بیابد. موفق شده اند برای این دوره پنج هزار میلیارد دالر بودجه دولتی را صرف پروژه های شکست خورده کنند. حالا همان افراد سر جای خود مانده اند.

ناپولیتانو: آیا رقمی که ذکر کردید چیزی است که امریکا از یازده سپتمبر تا کنون هزینه کرده است؟

ساکس: منبع این تخمین، سایت انستجوی واتسن در دانشگاه براون است که سالهای بسیاری است که به مخارج این جنگها می پردازد. جزئیات زیادی منتشر کرده اند. تخمین آنها حدود هشت هزار میلیارد دالر است. اما من می خواهم

احتیاط کنم. رقم پنج هزار میلیارد دلار، مربوط به خود هزینه هاست. هزار میلیارد دلار دیگر مربوط به بهره وام هائی است که بدین منظور لازم است. دو هزار میلیارد دلار دیگر هم بابت مخارج درمانی آینده کهنه سربازان اضافه کرده اند که دچار نقص عضو و بیماری های بسیار شده اند. بنابراین آنها به تخمین هشت هزار میلیارد دلار رسیده اند. من از رقم پنج هزار میلیارد دلار نام می برم چرا که مخارج آینده، مربوط به آینده است و من سود و امها را هم حساب نکردم. ما درباره مخارجی به کلی بیهوده سخن می گوئیم. بدون هیچ نتیجه مثبت. معما این است که چرا مسئولان این کار را از شهر بیرون نمی کنند. پاسخ معما این است که این مسئولان همه کاره شهر اند. صاحبان شهر آنها هستند. یک جوک قدیمی هست که شاید زیاد هم خنده دار نباشد اما من از طفولیت آن را می شناسم. یک نفر هر روز یک گاری پر از کاه از دروازه کارخانه بیرون می برد. نگهبان هر روز کاه را زیر و رو می کند تا ببیند آن فرد چه دارد می دزدد، و چیزی نمی یابد. تا این که دزد بازنشسته می شود و نگهبان از او می پرسد بگو ببینم این همه سال چه می دزدیدی؟ دزد پاسخ می دهد که گاری می دزدیدم. قضیه عین همین جوک است. جنگ، کسب و کار اینهاست. یک کسب و کار است. صدها میلیارد دلار حجم قراردادهاست. کسب و کاری کلان. همه جا موضوع همین کسب و کار است. اگر شما در شورای آتلانتیک باشید، حقوق شما را مجتمع نظامی می دهد. اگر در مؤسسه مطالعات جنگ که بخشی از خانواده کیگن است مشغولید، حقوق شما را همانها می دهند. این است کسب و کار در واشینگتن. صنایع نظامی و دفاعی، که باید گفت صنایع نظامی زیرا صنایع دفاعی اسم رمز صنایع نظامی است، هر سال ۱۵۰ میلیون دلار خرج لابی گری می کند، طبق تخمین سایت اسرار آشکار. حدود ۷۲ درصد این لابی ها از میان مقامات دولت امریکا بازیافت می شوند. حکایت همان درب گردان. این بخشی از شپادی است. هر روز و هر ماه به ما می گویند باید بیشتر خرج کنیم، بیشتر بودجه بگذاریم، خطرات بیشتر شده است، جنگ اوکراین را داریم، غزه را داریم، جنگ در بحیره سرخ خواهد بود، ریسکها بیشتر می شوند، تایوان را سال آینده از یاد نبرید. یک رشته بی پایان. اصلاً مهم نیست که حتی یک کلمه از آن چه می گویند منطقی باشد یا نه. آنها گاری می دزدند. بودجه هائی به خود اختصاص می دهند که دولت فدرال را به خاک سپاه می نشاند. رقم بدهی ما اکنون معادل صد در صد تولید ناخالص داخلی ماست. هزینه هیچ یک از این جنگها تسویه حساب نشده است. همه این کارها را با استقراض انجام می دهیم. نرخ بهره بسیار بالا رفته است. و ما هر چه بیشتر در این گرداب فرو می رویم. و بعد می بینیم این به اصطلاح رهبران کنگره را که مخارج کارزارهای انتخاباتی آنان را صنایع دفاعی می پردازند، مانند رئیس کمیته نیروهای مجلس نمایندگان، مایک راجرز. خرج همه ترقی و مشاغل او را صنایع نظامی پرداخت کرده است. او هر روز می گوید دوستانش در حزب جمهوریخواه خست به خرج می دهند. دمکراتها در سالهای اخیر جنگ افروزان اصلی بوده اند. جمهوریخواهان سعی کرده اند در سالهای اخیر اندکی تعادل ایجاد کنند اما برخی از آنها نیز کاملاً در خدمت صنایع نظامی اند. و بدین گونه است که در آستانه سال جدید شاهد کشمکش هائیم. به محض این که کنگره بازگشائی شود خواهیم شنید چقدر ضرورت دارد که ده ها میلیارد دلار بودجه فوری اختصاص یابد. این تقاضائی است که بایدن طرح خواهد کرد تا همه را در این بازی راضی نگه دارد و البته هیچ کس رضایت کامل ندارد. یک تراژیدی کامل برای اوکراین به وجود آورده اند، نابودی فلسطین، با عواقب دهشتناک برای سیاست خارجی ایالات متحده و جایگاه ما در جهان. همه این طرح ها با شکست مواجه شده اند و تنها امری که موفقیت آمیز پیش برده شده است، این است که جریان پول ادامه دارد.

در این بخش از مصاحبه، مجری برنامه قلمی از سخنان یک نظامی سابق امریکائی را نشان می دهد. در این سخنان، از آنتونی بلینکن وزیر خارجه امریکا نقل می شود که ۹۰ درصد کمکهای نظامی امریکا به کشورهایمانند

اوکرائین، از طریق خرید اسلحه از آمریکا به این کشور باز می‌گردد و در ایالات متحده فرصت‌های شغلی ایجاد می‌کند.

ناپولیتانو: مجتمع نظامی - صنعتی، از طریق شبکه متحدان خود و از طریق کنترل کنگره، عملاً سیاست خارجی آمریکا را هدایت می‌کند. گفتمانی گمراه کننده درباره دشمن خیالی طرح می‌کند و در مورد آن تبلیغات به سود جنگ به راه می‌اندازد.

ساکس: این فاکت که بلینکن و کاخ سفید به چنین حرفهائی متوسل می‌شوند و آماری ارائه می‌دهند که کارخانه های مهمات در چه مناطقی از آمریکا قرار دارند، میزان یأس آنها را نشان می‌دهد. آنها در عرصه ارائه فاکتها بازنده اند. آنها دروغ گفتند، درباره علل جنگها، درباره پیشرفت جنگها، درباره فجایع نظامی و مصایبی که جنگها متوجه غیرنظامیان می‌کند، آنها در این بحث که این جنگها در عرصه سیاست خارجی یا امنیت یا چیزی مانند آن، به نفع امریکاست شکست خوردند. پس به این آخرین امید روی آوردند و می‌گویند شما در منطقه خود کارخانه هائی دارید و این بهترین استفاده از دانش و تکنولوژی امریکاست که مهماتی بسازیم برای کشتار وسیع. آنها هیچ کار برای مردم امریکا نمی‌کنند و فقط ما را شریک جرم کرده اند، خلاف خواست ما. و همچنین میزان بدهی لازم برای انجام این کارها را افزایش داده اند. وانمود می‌کنند کارگران ما هیچ کار دیگری نمی‌توانند بکنند. من به عنوان اقتصاددان می‌گویم استفاده بلینکن از واژه سرمایه گذاری شیدانه است. او می‌گوید ما در اوکراین سرمایه گذاری کرده ایم. سرمایه گذاری یک اصطلاح اقتصادی است و معنای آن این است که شما سرمایه ای را صرف این می‌کنید که تولید را در آینده بالا ببرید. کاری که ما در اوکراین می‌کنیم سرمایه گذاری نیست. ما با این مهمات اوکرائین را نابود می‌کنیم. پس این گفته که این یک سرمایه گذاری است، یعنی کشتن صدها هزار انسان نوعی سرمایه گذاری است، نابودی زیرساخت مادی یک سرمایه گذاری است، نادرست است آقای وزیر، آقای بلینکن. این یک فاجعه است.

ناپولیتانو: می‌دانم شما در مرخصی به سر می‌برید و چیزی که می‌خواهم بگویم فشار خون شما را بالا می‌برد. این چیزی است که سناتور لیندسی گراهام می‌گوید. می‌توانید تصور کنید چه نقل قولی است اگر آن را ندیده باشید.

ساکس: می‌دانم، هر چیزی ممکن است از دهان آن مرد بیرون بیاید.

ناپولیتانو: بله، ببینید درباره کار بعدی که باید بکنیم چه می‌گوید.

در اینجا قلمی پخش می‌شود که در آن سناتور جمهوریخواه لیندسی گراهام با اشاره به حملات حوثی ها خطاب به وزیر دفاع آمریکا می‌گوید ایران را بزن، از نقشه جهان حذف کن.

ناپولیتانو: این جنگ جهانی سوم خواهد بود، سناتور.

ساکس: این مرد یک ابله است و همواره بوده است. ببخشید که چنین می‌گویم. مدتهاست که از این حرفها می‌زند. درست مثل یک ویدیوی فتوشاپی است. شما می‌توانید به گذشته بر گردید و فلمهائی پیدا کنید از لیندسی گراهام می‌گوید بزنید، بمباران کنید. درباره هر جائی در دنیا. کارش فقط همین است. اصلاً نیازی هم نیست که دقیقاً بدانیم در این روز به خصوص، چه کسی باید بمباران شود. همه آنچه در کله این آدم هست همین بیش نیست. او یکی از طراحان سیاست خارجی فاجعه بار آمریکا در بیست سال گذشته است. به سابقه اش مراجعه کنید. به همه جنگها نگاه کنید که او خواستار آن شده است، با مخارج آن. این فرد اصلاً خودش فاجعه است. او به جای این که خواهان جنگهای بیشتر شود باید از مردم امریکا عذرخواهی کند.